



نقش کارگروپی بر پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر

پوهنمل محمد طاہر خپلواک

دیپارتمنت روانشناسی و علوم تربیتی، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی لوگر. لوگر: افغانستان.

ایمیل آدرس: tahirkhpalwak@gmail.com

خلاصه

هدف: هدف تحقیق بررسی نقش روش تدریس کارگروپی در پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر است. **روش:** این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر اطلاعات کمی و از نظر روش توصیفی است. جامعه آماری تحقیق کلیه محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر در سال ۱۳۹۷ می باشند، که مجموعاً ۵۵۰ تن می باشد. حجم نمونه با استفاده از فورمول کوکران با سطح خطا ۱۰ محاسبه و ۹۵ تن به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابراز جمع آوری معلومات پرسشنامه محقق ساخته می باشد که روایی آن توسط استادان پوهنتون کابل تأیید شده. روش نمونه گیری، از نوع تصادفی منظم است. معلومات با استفاده از نرم افزار IBM-SPSS26، تست های (Repeated Measures) و (Independent - Samples T Test) تجزیه و تحلیل شده است.

یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد، که روش تدریس کارگروپی به ترتیب بر پیشرفت تحصیلی، افزایش اعتماد بنفس، حس دوستی و صمیمیت، افزایش حس مسؤولیت و همکاری و تقویت مهارت های کلامی محصلان تاثیر دارد و بین روش تدریس مشارکتی و ابعاد فوق رابطه معناداری وجود داشت.

نتیجه گیری: اگر استادان از روش کارگروپی بیشتر استفاده کنند، سطح یادگیری، اعتماد بنفس، حس دوستی، مسؤولیت و همکاری بین بلند خواهند رفت.

کلمات کلیدی: اعتماد بنفس، پیشرفت تحصیلی، حس مسؤولیت، همکاری و کارگروپی

استناد: خپلواک، محمد طاہر. (۱۴۰۳). نقش کارگروپی بر پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه

تحصیلات عالی لوگر. دو فصل نامه علمی - تحقیقی عینک، سال اول، شماره دوم: ۱۶۳-۱۷۷.

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: مؤسسه تحصیلات عالی لوگر

مقدمه

در زمان معاصر تلاش همه سازمان‌ها، از سازمان‌های تحصیلی گرفته تا سازمان‌های غیر تحصیلی، معطوف به این است که از منابع و امکانات سازمان، به‌ویژه منابع انسانی به نحو صحیح و درست استفاده کنند، منابع انسانی از جمله سرمایه‌های سازمانی تلقی می‌شود (سالاس و همکاران، ۲۰۰۶). پوهنتون‌ها و مکاتب نیز از این امر مستثنی نبوده و درصددند تا برای تحقق هدف‌های خود به شیوه‌های مختلف از سرمایه انسانی شان خصوصاً استادان استفاده بهینه کنند. یکی از وظایف مهم نیروی انسانی در مراکز آموزشی - تحصیلی تدریس و آموزش است. استادان در پروسه تدریس از روش‌های مختلف استفاده می‌کنند و روش‌های تدریس نیز مختلف و متعدد است. یکی از روش‌های جدید در پروسه یاددهی و یادگیری، روش کارگروپی است. تدریس یک پروسه سه‌جانبه بین معلم، شاگرد و محتوای درسی است و یکی از اصول یادگیری، اصل فعالیت خود یادگیرنده در پروسه تدریس است. استاد در پروسه تدریس باید از روش‌های استفاده کند که یادگیرندگان در فعالیت‌ها مشارکت داشته و فعالانه سهم بگیرند. روش‌های مختلف تدریس وجود دارد تا با استفاده از آن استاد و محصلان خود را در پروسه تدریس شریک سازند. یکی از آن روش‌ها، روش کارگروپی است. این که روش تدریس کارگروپی در پیشرفت یادگیری محصلان پوهنخی تعلیم و تربیه چه نقش دارد، تحقیق در این مورد صورت گرفت که جزئیات آن در ادامه مقاله به تفصیل ذکر است.

استادان در هر سطح که باشند باید از روش‌های مشارکتی تدریس آگاه و از آن استفاده کنند تا بتوانند صنف درسی را برای محصلان جذاب و یادگیری را برای آن‌ها تسهیل نماید و درنهایت به هدف‌های آموزشی خویش دسترسی پیدا کنند. مطالعاتی علمی در حوزه تعلیم و تربیت نشان داده است، استادانی که از روش‌ها و مهارت‌های خوب تدریس برخوردارند، نسبت به استادانی که در این زمینه کم‌تر آگاهی و مهارت دارند و یا هیچ مهارت ندارند و استفاده نمی‌کنند، هم خود و هم محصلان شان از موفقیت‌های بیشتر و بهتری در حوزه کار خویش برخوردارند. تحقیقات نشان داده که بین روش کارگروپی و پیشرفت تحصیلی یک رابطه معنی‌دار وجود دارد. توافق براین است، که استادان مراکز تحصیلی علاوه بر دانش تخصصی - رشتوی و تجربه، ضرورت دارند تا از روش‌های فعال و مشارکتی تدریس آگاهی داشته و از آن استفاده کند. پروسه تدریس، یک پروسه پیچیده است. استاد با تعداد زیادی از محصلان روبرو بوده که هرکدامشان تفاوت‌های فردی دارند. تعدادی از محصلان ممکن با روش‌های غیرفعال تدریس خوب یاد می‌گیرند و دیگران با روش‌های فعال مشارکتی بهتر یاد می‌گیرند و پیشرفت می‌کنند. مسأله این است که نقش کارگروپی در پیشرفت یادگیری، اعتماد بنفس، حس همکاری و مسؤولیت‌پذیری محصلان پوهنخی تعلیم و تربیه چگونه است؟ تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش روش تدریس کارگروپی در پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنخی تعلیم و تربیه صورت گرفت که نتایج آن را در ادامه می‌خوانید.

تحقیق حاضر اهمیت کاربردی بیشتر دارد و نتایج آن برای مسئولان خاصاً استادان پوهنتون سودی بیشتر خواهد داشت و در تحقیق حاضر آشکار خواهد شد که نقش روش تدریس کارگروپی در یادگیری محصلان چگونه است. اگر در این زمینه تحقیق انجام نشود، برای استادان معلوم نمی‌شود که محصلان با کدام روش علاقه‌مندی بیشتر داشته و بهتر یاد می‌گیرند. در نتیجه ممکن با روشی درس داده شود که برای شاگردان خسته‌کننده باشد و به‌جای علاقه و یادگیری، باعث بی‌علاقگی و ترک تحصیل در محصلان خواهد شد.

روش‌ها و فنون تدریس به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، روش‌های عنعنوی که در گذشته‌های دور به کار می‌رفت و دسته دوم، روش‌های مبتنی بر یافته‌های روانشناسی و علوم تربیتی که به‌طور عمده از قرن بیستم به بعد تکوین یافته است و به روش‌های جدید و مشارکتی شهرت دارند (صفوی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). یکی از روش‌های جدید و مشارکتی، روش کارگروپی بوده و عبارت از روشی است که محصلان به‌منظور تسلط بر محتوا و مواد آموزشی به‌صورت گروپی کار می‌کنند و اعضای هر گروپ از محصلان با موفقیت تحصیلی بالا، متوسط و پایین از نژادها، فرهنگ‌ها و جنسیت‌های مختلف تشکیل شده است و نظام پاداش به‌جای فرد مدار، گروپ مدار است. این روش تقریباً از اوایل سال ۱۹۷۰ آغاز شده است (شعبانی، ۱۳۹۱).

مفهوم آموزش به روش گروپی را الکساندر که به‌عنوان «پدر مدارس دوره لیسه امریکا» شناخته شده، اولین بار در کنفرانسی در پوهنتون کرنل که در سال ۱۹۶۳ برگزار شده بود، مطرح کرد. او توانست روش‌های تدریس مهمی را برای تدریس گروپی برای استادان پیشنهاد کند (جورج وگایتان، ۲۰۱۰). در سال‌های اخیر ارایهٔ دروس به شیوهٔ گروپی قسمت مهمی از پوهنتون‌ها از جمله پوهنتون استانفورد است. در مورد اثربخشی روش تدریس کارگروپی تحقیقات مختلف و متعدد در جهان انجام شده است، که نتایج برخی از آن‌ها در زیر آورده شده است.

کارلس (۲۰۱۱)، تحقیقی را با عنوان "تدریس به روش گروپی در مدارس ابتدایی هانگ کانگ" انجام داد، نتایج تحقیق وی نشان داد که این روش تدریس علاوه بر تأثیر مثبت بر روی یادگیرندگان، منجر به رشد حرفه‌ای مدرسان شده، آن‌ها را ترغیب می‌کنند تا دربارهٔ دیدگاه‌های خود با یکدیگر بحث کنند که این پروسه باعث ارتباطات بین فردی و بین فرهنگی گسترده بین استادان می‌شود.

روش کارگروپی، محصلان را در اینکه چگونه فکر کنند و چگونه دانش خود را ارزشیابی کنند، کمک می‌نماید. در این روش، محصلان با شنیدن نظریات و انتقادات همسالان خود بینش بیشتری نسبت به وضع و حال خود پیدا می‌کنند، و درک و فهم خود را به‌وسیله شنیدن چگونگی درک و فهم دیگران، گسترش می‌دهند (شعبانی، ۱۳۹۱). روش کارگروپی مهارت‌های سطح بالای ارتباط کلامی محصلان را افزایش می‌دهد (آرنزد، ۱۹۸۸: ۴۰۶؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۹۱: ۳۴۹). محصلان در

¹⁰⁰ George Gaiton

پروژه کارگروپی مهارت‌های شناختی و اجتماعی خود را تقویت، نگرش‌های مثبتی را نسبت به اقوام و اندیشه‌های مختلف کسب می‌کنند. تدریس با روش کارگروپی باعث پیشرفت تحصیلی، روابط درون گروهی و عزت‌نفس می‌شود (اسلاوین و کارویت، ۱۹۸۴: ۳۵-۳۹؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۹۱: ۳۴۹). اسلاوین معتقد است که روش کارگروپی به‌طور کامل در افزایش پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثر است. وی با بررسی ۳۶ تحقیق، به مقایسه محصلان که با روش کارگروپی آموزش دیده بودند و محصلان که این روش را تجزیه نکرده بودند، پرداخت. گزارش‌های او نشان داد محصلاتی که با روش کارگروپی آموزش دیده‌اند، نسبت به محصلان که با روش کارگروپی آموزش ندیده بودند، پیشرفت بهتری داشته‌اند (اسلاوین، ۱۹۷۲: ۳۷۱؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۹۱: ۳۵).

مطالعات گوناگون در کشورهای غربی صورت گرفته‌اند؛ این تحقیقات نشان می‌دهند، محصلاتی که با روش کارگروپی تکالیف گروهی انجام می‌دهند، در امتحانات نمره‌های بهتر کسب می‌کنند، اعتماد بنفس بیشتری دارند، مهارت‌های اجتماعی مثبت و قوی‌تری دارند و در درک مطالب و تسلط بر مهارت‌ها توانایی بیشتری دارند.

در زمینه یادگیری و تدریس مشارکتی یا گروپی، بیش از ۱۲۰۰ تحقیق انجام شده‌اند؛ از جمله تحقیقاتی کرامتی، ۱۳۸۲؛ گارسیا، ۲۰۰۷؛ جانسون، ۲۰۰۷؛ لونینگ، ۱۹۹۳؛ نیکلاس، ۱۹۹۴؛ وایودی، ۲۰۰۱؛ جانسون، ۲۰۰۷؛ جانسون، ۲۰۰۴؛ اسمیت، ۲۰۰۵؛ سیرفی، ۱۳۷۴؛ ایوبی، ۱۳۷۷؛ کنعانی، ۱۳۷۸؛ شیخیانی، ۱۳۸۳؛ میرزاخانی، ۱۳۸۴؛ کرامتی، ۱۳۸۸؛ ممینی، ۱۳۷۷؛ تجربه کار، ۱۳۸۰؛ صمدی شال، ۱۳۷۹؛ پاکیزه، ۱۳۷۶؛ قدرتی، ۱۳۸۰؛ شعبانی، ۱۳۸۰؛ صحرانورد، ۱۳۸۰؛ کرامتی، ۱۳۸۰؛ ونمن، ۲۰۰۲؛ ویتوریا، ۱۹۹۵؛ و نیتو، ۱۹۹۴. برتری یادگیری و تدریس کارگروپی نسبت به روش تدریس عنعنوی را تأیید کرده و گفته‌اند که آموزش به روش کارگروپی باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود؛ اما آنچه در این میان، دارای اهمیت بالاست، اجرای صحیح این روش در صنف درسی است.

رو. اسیزارت و پاترسون (۲۰۰۷) و کاتالانو و همکاران (۲۰۰۴) یکی از راهکارهای افزایش احساس تعلق به مکتب را استفاده از یادگیری مشارکتی و تدریس با روش کارگروپی ذکر کرده‌اند. اکدمیر و ارسلان (۲۰۱۲) عنوان می‌کنند که از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۱۰ در کتابخانه‌های دیجیتالی ۲۰۳۷ تحقیق درباره تدریس با روش کارگروپی یا مشارکتی انجام شده است که این تعداد در مقایسه با دیگر روش‌های تدریس بسیار بیشتر می‌باشد.

گابلیز (۲۰۰۴) تأثیر یادگیری مشارکتی را روی ۲۲۶ شاگرد سال سوم لیسه، که در گروه‌های با ساختاریابی مشارکتی کار می‌کردند، مورد مطالعه قرارداد. نتایج نشان داد که در گروه با ساختار، شاگردان همبستگی گروهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی قوی‌تری در آموزش همدیگر نسبت به همسالان خود در گروه‌های بی ساختار نشان دادند.

وینستون (۲۰۰۲) در تحقیقی که با عنوان تأثیرات یادگیری مشارکتی روی پیشرفت و نگرش شاگردان صنف پنجم در فرهنگ‌های مختلف ایالات متحده آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت روی نگرش‌های شاگردان نسبت به درس ریاضی و پیشرفت تحصیلی آنان در این درس می‌گذارد.

الخاطب و جمعه (۲۰۰۲) نیز تأثیر یادگیری مشارکتی را روی عملکرد تحصیلی شاگردان صنف هشتم در درس الجبر مورد بررسی قرار دادند. نتایج به‌دست آمده تفاوت معناداری بین عملکرد شاگردان در گروه یادگیری مشارکتی و سنتی نشان داد.

نیکولز (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تأثیرات آموزش مشارکتی بر روی انگیزش و پیشرفت تحصیلی ۸۰ شاگرد در درس هندسه در لیسه را بررسی کرد. یافته‌ها بیانگر این بود؛ شاگردانی که در گروه یادگیری مشارکتی بودند، نسبت به شاگردانی که در گروه کنترل بودند، کارآمدی بیشتری داشته و یادگیری هدف‌دار داشتند و نیز برای درس هندسه ارزش بیشتری قائل بودند و پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند.

زیسک (۱۹۹۸) در تحقیقی در مورد تأثیر یادگیری مشارکتی بر روی پیشرفت تحصیلی درس کیمیا شاگردان دوره لیسه، نتیجه گرفت که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبتی روی مفهوم خود تحصیل و پیشرفت تحصیلی در درس کیمیا شاگردان دوره لیسه دارد (چگرینگ و گامسون، ۱۹۸۷ به نقل از رستمي، ۱۳۸۸). سیلبرمن (۱۹۹۶) در تحقیق خود نشان داد که میزان یادگیری شاگردانی که با استفاده از روش‌های فعال تدریس، آموزش دیده‌اند در مقایسه با سایر روش‌هایی که در آن‌ها ذهن شاگردان به‌مثابه ظرف‌های خالی که باید پر شوند، تلقی می‌شود، به‌طور قابل توجهی متفاوت است.

نتایج تحقیقات شاران (۱۹۸۰) نشان می‌دهد شاگردانی که در صنف‌های با چنان سازمانی در گروه‌های دو نفری یا چندنفری کار می‌کنند، به یکدیگر آموزش می‌دهند و از پاداش‌های مشترک برخوردار می‌شوند، نسبت به شاگردانی که با روش بررسی فردی و معمول در طرح بازخوانی آموزش می‌بینند، از چیرگی بیشتری بر مطالب درس برخوردارند. این الگو همچنین، مسئولیت مشترک، تعامل و احساسات مثبت‌تر نسبت به تکالیف و افراد دیگر ایجاد می‌کند، روابط بهتر میان گروهی به وجود می‌آورد و منجر به تصویر بهتری از خویشان برای شاگردانی با پیشینه پیشرفت تحصیلی ضعیف می‌شود (جویس و دیگران، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۶).

کولای (۱۳۸۸) در تحقیق خود به مقایسه اثر روش‌های یادگیری مشارکتی، توأم با آموزش اصول گفتگو و روش سخنرانی بر پیشرفت تحصیلی جغرافیای شاگردان صنف پنجم دوره ابتدایی پرداخته و نتایج به‌دست آمده تفاوت معناداری میان نمره پیشرفت تحصیلی درس جغرافیه و ماندگاری آموخته‌های شاگردانی که به روش یادگیری مشارکتی (مشارکت توأم با آموزش اصول گفتگو) آموزش دیده بودند و شاگردانی که به روش سخنرانی آموزش دیده بودند، نشان داد.

در تحقیقی که علی آبادی و کریمی (۱۳۸۷) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که در میان عوامل و عناصر سبک‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی از همه مهم‌تر یادگیری مشارکتی و پیشرفت تحصیلی رابطه مطلوبی باهم داشته و این نوع یادگیری موجب افزایش پیشرفت تحصیلی می‌گردد. کارجو راوری (۱۳۸۷) در بررسی میزان افزایش همیاری و همکاری شاگردان در برنامه درسی مشارکتی به این نتیجه رسید که این روش موجب افزایش همکاری و یادگیری بیشتر در درس ریاضی شده و باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود.

لک دیزی (۱۳۸۴) در تحقیقی افزایش یادگیری کلی با روش بحث گروهی را نسبت به روش سخنرانی در محصلان نشان داد (لک دیزجی، ۱۳۸۴؛ به نقل ازملک محمدی، ۱۳۸۷).

مرتضوی (۱۳۸۳) اثربخشی روش‌های تدریس و یادگیری تعاملی در پروسه‌های آموزشی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که کاربرد روش‌های تدریس و یادگیری تعاملی در پروسه تدریس و یادگیری سبب شور و نشاط جدید در صنف درسی، افزایش باور و توقع محصل، مشارکت محصل در اداره صنف، مراجعه بیشتر به سایر متون درسی، افزایش ماندگاری و کاهش غیبت از صنف درسی می‌شود (مرتضوی ۱۳۸۳؛ به نقل ازفلاح، ۱۳۸۸).

در تحقیق دیگری که توسط طالبی (۱۳۸۳) در خصوص تأثیر آموزش به روش مشارکتی، انفرادی و سخنرانی بر یادگیری و یادآوری آزاد مورد مقایسه قرار گرفت، نشان داد که آزمودنی‌های گروه مشارکتی نسبت به دو گروه دیگر (انفرادی و سخنرانی) افزایش معناداری در یادگیری نشان دادند، همچنین، آزمودنی‌های گروه مشارکتی نسبت به دو گروه دیگر افزایش معناداری در یادآوری نشان دادند.

پاکدل (۱۳۸۲) در نتیجه تحقیق خود بیان می‌کند که عدم توجه و عدم به‌کارگیری روش‌های فعال تدریس تا جایی پیش می‌رود که وضعیت برنامه‌های درسی با روش‌های تدریس، عملکرد و نحوه پیشرفت تحصیلی شاگردان کشور ما را در سطح ابتدایی در دروس علوم و ریاضی در وضعیت نامطلوبی قرار داده است. کیوانفر (۱۳۸۲) در پژوهشی که انجام داد به این نتیجه رسید شاگردانی که درس علوم صنف چهارم را به شیوه فعال لابراتواری آموزش دیده، در این درس پیشرفت بهتری نسبت به شاگردانی که به سایر روش‌ها آموزش دیده‌اند، داشته‌اند؛ ولی تفاوتی در میزان نگرش شاگردان گروه‌های مورد مطالعه نسبت به این درس مشاهده نشد.

در یک بررسی مشخص شد که محصلان گروه یادگیری مشارکتی نسبت به گروه آموزش سنتی، پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. همین‌طور مشخص شد که یادگیری مشارکتی، رابطه مثبت و معناداری با سبک یادگیری مستقل از زمینه دارد (مشهدی، ۱۳۸۱). حامدی خواه (۱۳۷۷) بر اساس نتایج تحقیق خود مشخص نمود که استادان، به میزان کم و متمایل به متوسط در درجه مقیاس لیکرت، از روش‌های تدریس فعال استفاده می‌نمایند. همچنین، بیان نمود که بین نمرات درس علوم تجربی شاگردان که

این درس را به شیوه فعال آموزش دیده‌اند با سایر شاگردانی که با شیوه غیرفعال آموزش دیده‌اند، تفاوت معناداری دارد.

ایوبی (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای بر روی ۴۶ شاگرد سال سوم لیسه با عنوان یادگیری مشارکتی و یادگیری سنتی (متداول) بر پیشرفت درس عربی و حرمت خود شاگردان پایه سوم متوسطه رشته علوم انسانی منطقه ۱۰ تهران به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی، بیشتر از یادگیری سنتی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی می‌شود. به علاوه، یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری سنتی، موجب افزایش حرمت خود شاگردان گردیده است. افزون بر آن مطالعات پیگیری نشان داد که پیشرفت تحصیلی در شاگردان گروه آزمایش، که مطالب را از طریق یادگیری مشارکتی آموخته بودند، بیشتر از گروه کنترل بود این که نقش روش کار گروهی در پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر چیست؟ حقیق حاضر با هدف بررسی نقش روش تدریس کار گروهی در پیشرفت تحصیلی محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر انجام شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر اطلاعات کمی و از نظر روش توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه محصلان دختر و پسر مصروف تحصیل در پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر در سال ۱۳۹۸ می‌باشند، که تعداد آن‌ها مجموعاً به ۵۵۰ تن می‌رسد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران با سطح خطا ۱۰ محاسبه و ۹۵ تن به عنوان نمونه انتخاب شدند. اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته، که روایی آن توسط استادان پوهنتون کابل تأیید شده، جمع‌آوری گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به شیوه تصادفی منظم (سیستماتیک) می‌باشد. معلومات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار IBM-SPSS26 تجزیه و تحلیل شده و از تست‌های (Repeated Measures) و (Independent - Samples T Test) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که در تحقیق در کل ۹۵ تن شرکت کرده‌اند، که از میان آن‌ها ۶۹ تن (۷۱،۶٪) آن‌ها ذکور و ۲۷ تن (۲۸،۴٪) آن‌ها اناث هستند.

جدول اول: احصائیه اشتراک کنندگان تحقیق بر اساس جنسیت

| | ذکور | اناث | مجموع |
|-------|-------|-------|--------|
| تعداد | ۶۸ | ۲۷ | ۹۵ |
| فیصدی | ۷۱،۶٪ | ۲۸،۴٪ | ۱۰۰،۰٪ |

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که در تحقیق در کل ۹۵ تن شرکت کرده که از میان آن‌ها ۴۳ تن (۴۵,۳٪) از صنف اول، ۲۱ تن (۲۲,۱٪) از صنف دوم، ۱۶ تن (۱۶,۸٪) از صنف سوم، و ۱۵ تن (۱۵,۸٪) از صنف چهارم شرکت کرده‌اند.

برای اولویت‌بندی تأثیرات روش تدریس کارگروپی بر پیشرفت یادگیری محصلان از تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر (Repeated Measures) استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره (۲) نشان داده شده‌اند.

جدول دوم: تعداد اشتراک کنندگان بر اساس صنف درسی

| صنف اول | صنف دوم | صنف سوم | صنف چهارم | مجموع |
|---------|---------|---------|-----------|--------|
| ۴۳ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۵ | ۹۵ |
| ۴۵,۳٪ | ۲۲,۱٪ | ۱۶,۸٪ | ۱۵,۸ | ۱۰۰,۰٪ |

در جدول شماره (۳) نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میانگین بعد پیشرفت یادگیری ۱۶,۸۱۹۱ با ۵,۱۴۰۹۴ انحراف معیاری، میانگین بعد اعتماد بنفس ۱۳,۳۹۳۶ با ۴,۰۰۰۵۹ انحراف معیاری، میانگین بعد دوستی و صمیمیت ۶,۶۹۱۵ با ۱,۳۹۱۴۲ انحراف معیاری، و میانگین بعد احساس مسئولیت و همکاری ۶,۱۹۱۵ با ۱,۸۶۰۲۲ انحراف معیاری به دست آمده. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به پیشرفت تحصیلی و پایین‌ترین میانگین مربوط به حس مسئولیت و همکاری است و تفاوت معناداری بین روش تدریس کارگروپی و ابعاد پیشرفت یادگیری وجود دارد.

جدول سوم: اولویت‌بندی تأثیرات روش تدریس کارگروپی بر پیشرفت یادگیری

| متغیر | تعداد | میانگین | انحراف معیاری | F | P-value |
|---------------------|-------|-------------|---------------|---------|---------|
| پیشرفت یادگیری | ۹۴ | ۱۶,۸۱۹ ۱ | ۵,۱۴۰۹۴ | ۲۱۲,۳۷۲ | ۰,۰۰۰۱ |
| اعتماد بنفس | ۹۴ | ۱۳,۳۹۳ ۶ | ۴,۰۰۰۵۹ | | |
| دوستی و صمیمیت | ۹۴ | ۶,۶۹۱۵ | ۱,۳۹۱۴۲ | | |
| حس مسئولیت و همکاری | ۹۴ | ۶,۱۹۱۵ | ۱,۸۶۰۲۲ | | |

برای دریافت تفاوت نتایج کارگروپی بر اساس جنسیت متفاوت از تی تست مستقل (Independent Samples T Test) - استفاده شده، که نتایج آن در جدول شمار (۴) نشان داده شده‌اند.

جدول چهارم: تفاوت نتایج استفاده از روش تدریس کارگروپی بر اساس جنسیت

| متغیر | جنسیت | شماره | اوسط | معیاری انحراف | T | آزادی درجه df | معنی دارو P-value(Sig) |
|---------------------|-------|-------|--------|---------------|--------|---------------|------------------------|
| پیشرفت یادگیری | ذکور | ۶۸ | ۱۶,۴۴۱ | ۲,۳۳۹۶۸ | ۰,۱۳۶ | ۳۳,۹۷۳ | ۰,۸۹۳ |
| | اناث | ۲۷ | ۱۶,۳۳۳ | ۳,۸۳۳۰۵ | | | |
| اعتمادبنفس | ذکور | ۶۸ | ۱۳,۰۱۴ | ۲,۳۰۱۸۰ | -۱,۳۷۹ | ۹۳ | ۰,۱۷۱ |
| | اناث | ۲۷ | ۱۴,۲۵۹ | ۶,۵۳۱۵۴ | | | |
| دوستی و صمیمیت | ذکور | ۶۸ | ۶,۵۵۸۸ | ۱,۳۵۳۶۵ | -۱,۰۱۱ | ۹۳ | ۰,۳۱۴ |
| | اناث | ۲۷ | ۶,۸۸۸۹ | ۱,۶۲۵۱۲ | | | |
| حس مسؤولیت و همکاری | ذکور | ۶۸ | ۶,۰۱۴۷ | ۱,۶۷۹۴۹ | -۱,۵۲۷ | ۹۳ | ۰,۱۳۰ |
| | اناث | ۲۷ | ۶,۵۹۲۶ | ۱,۶۲۳۳۷ | | | |

بر اساس جدول شماره (۴) گفته می‌توانیم که اوسط بعد پیشرفت تحصیلی محصلان ذکور ۱۶,۴۴۱۲ با ۲,۳۳۹۶۸ انحراف معیاری و اوسط پیشرفت تحصیلی محصلان اناث ۱۶,۳۳۳۳ با ۲,۳۰۱۸۰ انحراف معیاری متفاوت به دست آمده است؛ این تفاوت با اندازه به دست آمده (t) در درجه آزادی ۳۳,۹۷۳ معنادار (۰,۸۹۳) به دست نیامده است. اوسط بعد اعتماد به نفس محصلان ذکور ۱۳,۰۱۴۷ با ۲,۳۰۱۸۰ انحراف معیاری و اوسط اعتماد به نفس محصلان اناث ۱۴,۲۵۹۳ با ۶,۵۳۱۵۴ انحراف معیاری متفاوت به دست آمده است؛ این تفاوت با اندازه به دست آمده (t) در درجه آزادی ۹۳ معنادار (۰,۱۷۱) به دست نیامده است. اوسط بعد دوستی و صمیمیت محصلان ذکور ۶,۵۵۸۸ با ۱,۳۵۳۶۵ انحراف معیاری و اوسط دوستی و صمیمیت محصلان اناث ۶,۸۸۸۹ با ۱,۶۲۵۱۲ انحراف معیاری متفاوت به دست آمده است؛ این تفاوت با اندازه به دست آمده (t) در درجه آزادی ۹۳ معنادار (۰,۳۱۴) به دست نیامده است. اوسط بعد حس مسؤولیت و همکاری محصلان ذکور ۶,۰۱۴۷ با ۱,۶۷۹۴۹ انحراف معیاری و اوسط حس مسؤولیت و همکاری محصلان اناث ۶,۵۹۲۶ با ۱,۶۲۳۳۷ انحراف معیاری متفاوت به دست آمده است؛ این تفاوت با اندازه به دست آمده (t) در درجه آزادی ۹۳ معنادار (۰,۱۳۰) به دست نیامده است.

مناقشه

هدف تحقیق حاضر بررسی نقش روش تدریس کارگروپی بر پیشرفت یادگیری محصلان پوهنخی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر بود. در تحقیق حاضر نتایج دریافت شده این است که روش تدریس مشارکتی یا کارگروپی باعث افزایش پیشرفت تحصیلی، افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌بنفس محصلان، همیاری و همکاری، دوستی و صمیمیت بین محصلان می‌شود. این مواردی است که با نتایج تحقیقات قبلی مشابه است. به‌طور مثال، اسلاوین (۱۹۸۴) تدریس با روش کارگروپی باعث پیشرفت تحصیلی، روابط درون‌گروهی و عزت‌نفس - اعتمادبه‌نفس می‌شود. اسلاوین معتقد است که روش کارگروپی به‌طور کامل در افزایش پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثر است. وی با بررسی ۳۶ تحقیق، به مقایسه محصلان استادان به روش کارگروپی برایشان تدریس کرده بودند و محصلان که به روش تدریس کارگروپی برایشان تدریس نشده بود، پرداخت. گزارش‌های او نشان داد محصلانی که با روش کارگروپی آموزش دیده‌اند، نسبت به محصلان که با روش کارگروپی آموزش ندیده بودند، پیشرفت بهتری داشته‌اند (اسلاوین، ۱۹۷۲: ۳۷۱؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۹۱: ۳۵). مطالعات گوناگون در کشورهای غربی صورت گرفته‌اند؛ این تحقیقات نشان می‌دهند، محصلان که با روش کارگروپی تکالیف گروهی انجام می‌دهند، در امتحانات نمره‌هایی بهتر کسب می‌کنند، اعتماد بنفس بیشتری دارند.

در زمینه یادگیری و تدریس مشارکتی یا گروپی، بیش از ۱۲۰۰ تحقیق انجام شده‌اند که برتری یادگیری و تدریس کارگروپی نسبت به روش تدریس سنتی را تأیید و نتایج نشان داده که تدریس به روش کارگروپی باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود. وینستون (۲۰۰۲) تحقیقی را که با عنوان تأثیرات یادگیری مشارکتی روی پیشرفت و نگرش شاگردان صنف پنجم در ایالات متحده آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت روی نگرش‌های شاگردان می‌گذارد. نیکولز (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تأثیرات آموزش مشارکتی بر روی انگیزش و پیشرفت تحصیلی ۸۰ شاگرد در درس هندسه در لیسه را بررسی کرد. یافته‌ها بیانگر این بود، شاگردانی که در گروپ یادگیری مشارکتی بودند، پیشرفت تحصیلی بیشتری را نشان دادند. نتایج این دو تحقیق با تحقیق حاضر مشابهت دارد. همچنان، نتایج تحقیق هذا با تحقیقی علی‌آبادی و کریمی و کارجو راوری نیز مشابه است. طوری که نتایج تحقیق علی‌آبادی و کریمی (۱۳۸۷) نشان دادند که یادگیری مشارکتی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی می‌گردد. کارجو راوری (۱۳۸۷) نیز در تحقیق خوش دریافت که روش مشارکتی موجب افزایش همکاری و یادگیری بیشتر در درس ریاضی شده و باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود. بنابراین در فعالیتهای آموزشی، با توجه به پیشرفت علوم و فنون باید به این باور برسیم که وظیفه ما در پروسه تدریس، تنها انتقال واقعیت‌های علمی نیست، بلکه باید موقعیت مطلوب یادگیری معنادار را فراهم کنیم که به دلیل نیاز جامعه امروز به افراد خلاق، نقاد و متفکر، ضرورت تغییر روش‌های تدریس و استفاده از روش تدریس مشارکتی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. با توجه به

تحقیقات انجام یافته قبلی، تحقیق حاضر باهدف بررسی نقش روش تدریس کارگروپی در پیشرفت یادگیری محصلان پوهنځی تعلیم و تربیه مؤسسه تحصیلات عالی لوگر انجام شده است. نتایج این تحقیق با تحقیقات قبلی مشابه است. یعنی در تحقیق حاضر دریافت شد که روش تدریس مشارکتی یا کارگروپی باعث افزایش پیشرفت تحصیلی، افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس محصلان، همیاری و همکاری، دوستی و صمیمیت بین محصلان می‌شود. این مواردی است که در تحقیقات قبلی نیز دریافت شده بود.

به‌طورکلی می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات قبلی مشابه و یکسان است و این در ماهیت خود، نشان‌دهنده اهمیت و مؤثریت روش تدریس مشارکتی/ کارگروپی است که تقریباً در جهان تدریس با روش مشارکتی یا کارگروپی باعث پیشرفت یادگیری، اعتمادبه‌نفس، دوستی و صمیمیت و حس مسؤولیت و همکاری و... میان محصلان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تحقیقی که تحت عنوان بررسی نقش روش تدریس کارگروپی در پوهنځی تعلیم و تربیه انجام شده است. نتایج آن نشان می‌دهد که محصلان دختر و پسر نسبت به سایر روش‌های تدریس، از روش تدریس کارگروپی رضایت بیشتر دارند. این روش نسبت به سایر فواید و تأثیرات مثبت شان، در قدم نخست در بالا بردن سطح یادگیری و پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر بیشتر دارد. در قدم دوم، روش کارگروپی باعث افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس محصلان می‌شود. سوم، روش کارگروپی سبب ایجاد و تقویت دوستی و صمیمیت بین محصلان شده و مهارت‌های کلامی آن‌ها را افزایش می‌دهد. بالاخره این روش، حس مسؤولیت و همکاری بین محصلان را تقویت می‌کند. در جریان تحقیق مشکلات و محدودیت‌های وجود داشت که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کمبود منابع مرتبط تحقیقی در داخل کشور و عدم همکاری رهبری پوهنځی در آن زمان. در پایان، به استادان مؤسسه تحصیلات عالی لوگر پیشنهاد می‌گردد که در تدریس به‌جای روش‌های سنتی و غیرفعال از روش‌های جدید و فعال تدریس خاصاً کارهای گروپی بیشتر استفاده کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۵). روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. جلد اول. تهران: انتشارات سمت.
- شیخی فنی، علی‌اکبر؛ زارعی، اقبال و سعادت زاده، سمیه. (۱۳۹۲). تأثیر تدریس مشارکتی با تأکید بر جرئت آموزشی (بیانی) بر پیشرفت تحصیلی شاگردان در درس دین و زندگی. ژورنال علمی تحقیقی پوهنتون شهید، سال بیستم، شماره ۳، صص ۳۵۲-۳۵۳.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۲). نگاهی نو و متفاوت به رویکرد یادگیری مشارکتی، مشهد: انتشارات آیین تربیت.

- صیرفی، نیلوفر. (۱۳۷۴). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ایوبی، زهرا. (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری مشارکتی و سنتی بر پیشرفت تحصیلی و حرمت خود شاگردان دختر پایه سوم متوسطه منطقه ده تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- کنعانی، شهباز. (۱۳۷۸). تأثیر روش تدریس مشارکتی و سخنرانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول متوسطه در درس هندسه؛ پوهنتون تهران.
- شیخانی، محمد و همکاران. (۱۳۸۳). «مقایسه اثرات یادگیری مشارکتی و آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی، یادداری مطالب، انگیزه پیشرفت و خودپنداره شاگردان سال دوم متوسطه نظری شهر بوشهر»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ سال یازدهم، ص ۳-۴.
- میرزاخانی، محمد. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی شاگردان پسر سال سوم متوسطه»، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز؛ سال سوم، ش 10، صص ۱۴۳ و ۱۶۴.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۸). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی شاگردان در موضوع انرژی در درس فیزیک»، فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی؛ سال سی و نهم، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۶۶.
- ممینی، رضا. (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی بر پیشرفت تحصیلی درس زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی؛ پوهنتون علامه طباطبایی تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- تجربه کار، مهشید. (۱۳۸۰). تأثیر تقویت گروهی و فردی در یادگیری مشارکتی و پیشرفت تحصیلی زبان انگلیسی شاگردان دختر پایه سوم راهنمایی شهر کرمان؛ دانشگاه علامه طباطبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صمدیشال، لیلا. (۱۳۷۹). مقایسه تأثیر روش آموزش مشارکتی با روش آموزش غیرفعال در پیشرفت تحصیلی درس عربی شاگردان پسر سال اول راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- پاکیزه، علی. (۱۳۷۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر عملکرد تحصیلی و خودپنداره دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر»، روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- قدرتی، معصومه. (۱۳۸۰). مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی در میزان یادسپاری، درک و فهم، تحلیل و قضاوت اطلاعات علمی درس علوم تجربی شاگردان پایه پنجم ابتدایی شهر قم. پوهنتون علامه طباطبایی تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۰). تأثیر کارگروهی مبتنی بر حل مسئله در پیشرفت تحصیلی در درس علوم. دانشگاه تربیت مدرس: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صحرائورد، مریم. (۱۳۸۰). نقش استفاده از روش‌های فعال تدریس علوم تجربی در پرورش روحیه پرسشگری، پژوهش و پیشرفت تحصیلی شاگردان پایه چهارم ابتدایی. دانشگاه علامه طباطبایی. پایان نامه دکتری.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۲). رقابت یا رفاقت در کلاس درس. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. سال سی و یکم، ش ۲، پاییز و زمستان.

- مشهدی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). مقایسه مشکلات روانی، رشد اجتماعی و عزت نفس شاگردان با اختلالات خواندن و نوشتن و شاگردان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم. کیوانفر، محمدرضا. (۱۳۸۲). بررسی میزان تأثیر روش های فعال تدریس در موفقیت تحصیلی شاگردان صنف چهارم ابتدایی در درس علوم تجربی. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.
- کولایی، قدرت الله. (۱۳۸۸). مقایسه اثر روش های یادگیری مشارکتی، یادگیری مشارکتی توأم با آموزش اصول گفتگو و روش سخنرانی بر پیشرفت تحصیلی جغرافیای شاگردان صنف پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۷۸ - ۱۳۸۸. پایان نامه کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی پوهنتون تربیت معلم تهران.
- کارجو راوری، مینا. (۱۳۸۷). تأثیر برنامه درسی مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی شاگردان دختر سال سوم دبیرستان های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی پوهنتون آزاد اسلامی تبریز.
- فلاح، حمیدرضا. (۱۳۸۸). تأثیر روش تدریس سنتی و روش تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس معارف اسلامیشاگردان دوره پیش دانشگاهی شهر تبریز در سال تحصیلی ۷۸-۸۸ پوهنتون آزاد اسلامی واحد تبریز.
- حامدی خواه، فضلای. (۱۳۷۷). بررسی میزان استفاده استادان از روش های تدریس فعال و مقایسه نتایج عملکرد آموزشی آنان در تدریس علوم تجربی دوره ابتدایی شهرستان اراک. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- جوینس، پ. وویل، م. (۱۳۸۶). الگوهای تدریس، ترجمه بهرنگی، محمدرضا. تهران: نشر کمال تربیت. پاکدل، لطیف. (۱۳۸۲). مقایسه اثربخشی روش تدریس فعال و سنتی بر پیشرفت تحصیلی شاگردان مقطع راهنمایی آموزش و پرورش فریدن در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ایوبی، حسن. (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری مشارکتی، یادگیری سنتی (متداول) بر پیشرفت تحصیلی و حرمت خود شاگردان دختر صنف سوم متوسطه رشته علوم انسانی. پایان نامه کارشناسی ارشد پوهنتون علامه طباطبایی.
- Carpenter, M Dick. (2007). Testing the efficacy of team teaming. Learning Environment. P 53-56.
- Leavitt, M. C. (2006). Team teaching: Benefits and challenge. The Center for Teaching and Learning. Stanford University. P 1.
- Salas, E., Cannon. A., & Smith, A. (2006). Principles and strategies for team training. Taylor & Francise Group, LLC
- Carless, D. (2011). Collaborative EFL teaching in primary schools. *ELT Journal*, 65, (2): 328-335.
- Garcia, Gil Narro,. McCardle, Peggy,. Nixon, Stephanie M. (2007). Development of English literacy in spanish – speaking children. *Language, Speech & Hearing Services in Schools*, 38 (3), 213.
- Johnson, David, W. Johnson, Roger T. & Smith, Karl. (2007). the state of cooperative learning in postsecondary and professional setting. *Educational Psychology Review*, 19, pp 15-29.
- Lonning, R. (1993). Effect of cooperative learning strategies on student verbal interactions and achievement during conceptual change instructions and in loth grade general science. *Journal of Research in Science Teaching*, 30, 9, 1087-1101.

- Nichols, J.D., and Miller, R.B. (1994). Cooperative learning and student motivation. *Contemporary Educational Psychology*, 19, 2, 67-78.
- Wahyudi & D. Treagust. (2001). Group Writing Task in Chemistry to Enhance Students Scientific Explanations and Their Attitudes toward Science.
- Johnson, David, W. Johnson, Roger T. & Smith, Karl. (2007). the state of cooperative learning in postsecondary and professional setting. *Educational Psychology Review*, 19, 15-29.
- Johnson, David W. Johnson, Roger T. Smith. (2004). Cooperative in the College classroom. [On Line]. <http://www.University of Minnesota>.
- Smith, Karl A. Waller, Alisha A. (2005). Cooperative Learning for New College Teachers. [On Line]. <http://www.ERIC Abstracts on Cooperative Learning>.
- Hung, Chin- Yun. (2000). The effects of cooperative learning and model Demonstration strategies on motor skill performance during video instruction, *Office of Physical Education, Naonal chung cheng University*, Vol 10. No.2
- Veenman, S., and others. (2000, 2002). The effects of cooperative learning on students learning, *Educational Studies*, Vol.26, Issue 3.
- Vitoria, V.B. (1995). Gender Related Effects of cooperative learning in a Mathematics curriculum 12-16 Year- Olds, curriculum Students, Vol.27, No.6.
- Nattie, A. (1994). Helping behaviors and math achievement gain of student's using cooperative learning. *The Elementary School Journal*, 94, 3, 285-297.
- Rowe, Fiona, Stewart, Donald, Patterson, Carla. (2007). Promoting school connectedness through whole school approaches. *Health Education*, 107(6), 524-542.
- Catalano, F. Richard., Haggerty, P. Kevin., Sabrina, Oesterle., Charles, B. Flemin., David, g J. Hawkins. (2004). The Importance of Bonding to School for Healthy Development. Findings from the Social Development Research Group. *Journal of health education*, 74 (17).
- Akdemir, Elif. & Ali, Arslan. (2012). From Past to Present: Trend Analysis of Cooperative Learning Studies. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 55, 212 – 217.
- Alkhateb, H. M & Jemaah, M. (2002). Cooperative learning and Algebra Performance of Eight Grade Students in united Arab Emirates . *Journal of Contemporary Educational Psychology*, v.6 , pp. 245-257
- Chickering, Arthur. W. and Gamson. (1987). Seven principles for Good practice . *AAHE Bulletin* 39:3-7ED 282491. 6ppMf-0-1
- Fischer, S. & Shachar, H (2004). Cooperative learning and the achievement of motivation and Perception of Student in the grade Chemistry Classes .
- Silberman, Mel. (1996). Active learning. |o|, strategies to Teach Any subject. Massachusetts: Simon. And Schuster.
- Winston, V. (2002). Effect of Cooperative learning on Achievement and Attitude Among student color. *Journal of Educational Research*, V.95, PP.220-229.



Two quarterly

Ainak Academic- Research Journal



Logar Higher Education Institute

Journal license date: June/2023

The role of group work teaching method in the academic progress of students of Education Faculty, Logar Institute of Higher Education

Muhammad Tahir Khpalwak

Department of Psychology & Educational Sciences, Faculty of Education,
Logar University, Logar _ Afghanistan.

Email: tahirkhpalwak@gmail.com

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to investigate the role of the group work teaching method in the academic progress of students of the Education Faculty of Logar Institute of Higher Education.

Method: This research is applied in terms of purpose, quantitative in terms of information, and descriptive in terms of method. The statistical population of the research is all the students of the Education Faculty of Logar Institute of Higher Education in 2017, which is a total of 550 students. The sample size was calculated using Cochran's formula with an error level of 10 and 95 students were selected as a sample. The tool of data collection is a researcher-made questionnaire. The sampling method is systematic. Information has been analyzed using IBM-SPSS26, Repeated Measures and Independent-Samples T Test.

Findings: The results of the research showed that the group work teaching has effect on academic progress, increasing self-confidence, sense of friendship and intimacy, increasing the sense of responsibility, and cooperation and strengthening students' verbal skills, and there is a significant relationship between the cooperative teaching method and the above items.

Conclusion: If professors use the group work method more, the level of learning, self-confidence, sense of friendship, responsibility and cooperation will increase.

Key Words: self-confidence, academic progress, sense of responsibility, cooperation and teamwork.

Cite this article: Khpalwak, Muhammad Tahir.(2024). Investigating the role of group work teaching method in the academic progress of students of Education Faculty, Logar University, Academic – Research Journal (Two Quarterly). 1(2): 163-177.

Logar Higher Education Institute

© The Author(s)
